

# کوشش نامنه‌نگینی

روزنامه بهیج دست‌نویس و جنبینی بستگی ندارد

روزهای دوشنبه منتشر میشود

## بازگشت روسای عشایر ایچان اداره بازرسی مخصوص عشایر ایلات در سازمان نخست وزیری ضروریست

داشته اند تا امروز موفق شده اند این بازار آهسته ای که خود ایجاد کرده اند آن می باشد استفاده نمایند. ولی امروز که وحدت ملی ما هرگز بقاء سلطنت است دولت دیگر اجازه ادامه این رویه را نباید بدهد.

در امور عشایری دولت باید کنترل دقیق مریض دارد تا هیچ مأموری تحت هیچ عنوان نتواند مزاحمتی برای افراد عشایر و ایلات فراهم سازد.

دولت باید با مطالعه دقیق در وضع ایلات و عشایر سبیر و قشما سی کابل حاصل نموده و به فراخور موصیحت در باره اصلاح اوضاع آنان اقدام نماید.

برای اینکه بتوان در وضع عشایر تهرانی، اصلاحی کلی داد بشرط تشکیل دادن یک اداره بازرسی مخصوص عشایر در سازمان نخست

وزیری ضروری است انتخاب و کاردن صاحب منتهان عالی رتبه و کار دهن و درست کار در این اداره و باسافرت عالی بنظور بازرسی دقیق اوضاع عشایر و مطالعه در وضعیت آن ها که از طرف مأمورین امرای این اداره بعمل آید اولاً می توان از خراب کاریها و تا حد التیها و ستم گریز و بیادول مأمورین دولت در نواص عشایر نشین کاست و ثانیاً مأمورین بازرسی چون در میان عشایر مسافرت نمایند بهتر به روسیه آنها آشنا شده از خواسته های آنها مطلع میگرددند و از روی مطالعه این اطلاعات است که دولت میتواند برنامه های اصلاحی مفیدی در نظر بگیرد.

مادام که این اقدام معمول نگردد نمیتوان عشایر را از ظلم و جور مأمورین طماع در امان گذاشت و چون از ظلم جلوگیری نشد نمیتوان ایجاد مسیبت و دردی کرد.

امروز روسای عشایر پس از مسافرت بطهران و دیدن اوضاع مرکزوتنیکه به اماکن خود مراجعت مینمایند اگر دچار همان اوضاع سابق باشند و اگر باز هم آنها را دچار زحمت و آزار نمایند قطعاً این مسافرت راجح به ظاهر سازی سیاسی چیزی نتوانند پنداشد با اطمینان به کار دانی و وطن پرستی هفتاد رئیس محترم دولت امیدواریم این پیشنهاد کوچک به مورد توجه خاص ایشان قرار گیرد.

ایلات هفت گانه که در گذشته ای از روسای عشایر کردستان که به تهران دعوت شده بودند پس از پذیرایی های گرمی که از طرف ستاد ارتش از آنان بعمل آمده بود، به محل های سکونت خود مراجعت نمودند.

در روزهای آخر توقف خود در تهران همه ای از آنها مستقیماً با اداره روزنامه مراجعه و عده دیگر بوسیله نامه های از ایلات مسافرت و بازدیدها اظهار شرمندگی نموده و منسوساتشان

نموده بودند که ما بنام آنها از کوجهات مخصوص و تقدسات ذات شاهانه سپاسگذاری کرده و از مراسم رئیس محترم دولت و مهر بانی و مهمان نوازی و وزارت جنگ و ستاد ارتش اظهار امتنان و تشکر نمائیم.

جای بسی شرمندگی است که مدعیین مرز نشین با خاطری خاد تهران را ترک گفته و با امیدوار بهائی به آینده، بسوی دیار خود و حصار می گردند در حالیکه کوجهات خاص دولت را از نزدیک مشاهده نموده اند بخود ابروی میدهند که در اوقات هم که در مسکن خود مشغول زندگی هستند دولت آنها را فراموش نغواهند کرد و دیگر دچار مغریت های بیادولگر نتوانند شد.

از حقایق که در این مسافرت برای آنها روغن شده یکی این است که در یافته اند اخصای برای گرم نمودن بازار خود و برای بر سر راه ساطع لاف و نفرت خویش، خود را بین آنها و دولت شاهرا بنام وطن پرستی واسطه قرار داده ولی در عین حال هم به آن ها هم به دولت خیانت حال نموده اند.

این واسطه های ملت دوست ایلات طرفی متجاوز از دولت نگران ساخته و از طرفی دولت را نسبت به آنها بدبین نموده اند و چنان به طرفین را بسود کرده اند که غیر از طریق آنها از راه دیگری مسکن نیست دولت و عشایر هم لایق کرده اند.

ایچه آبادی سروداگر که دست ای برای حفظ نفوذ محلی و در سایه آن برای بدست آوردن مواجبت مرکزی تلاش مداوم داشته و دست همکاری بر کردن جیب از هفتی افراد بیچاره عشایر و با اتکانه به عنوان مأموریت های دولتی از هیچ نقیاسی دریغ

### لوشته پریشان

## تازه های انتخابات

رنگه اند و نمرات است بازرسی هم عوض شود.

در این که بازرسی احضار شده مردمی نیست. لی در این تردید دارم که آیا در نتیجه فعالیت های آنسای آصف او را عوض کرده اند یا چون نقش بر گشته بازرسی هم باید برگردد. بهر حال تا یک در هفته دیگر در موضوع انتخابات مسکن است آخرین تصمیم اتخاذ شود.

اما در باره سه اسم جدید یعنی حاج مشیر دیوان، دیوان یکی - حاج سالار فاتح بد نیست اگر قدری بحث بکنیم زیرا هر کدام وضع خاصی دارند.

### آقای حاج مشیر دیوان -

هفتاد مؤمن و دوست گاری است ولی مدتهاست خود را از دور سر اجتناع کنار کشیده. پس از آن رفتی که برایش از طرف لشکری ها کلامی ساخته مزه تلخ اجتناع را چشیده و صلاح خود را در دوری از مردم دانسته و اگر طالب هم ریاست اینجمن ولایتی را را دارد کمتر اظهار علاقه می کنند و بنظر من اگر این کار را قبول کرده فقط برای اسراری بود که به او می نمودند.

حاج مشیر انظوری که من شنیده ام حاضر بوقت نیست و صلاح خود او هم این است که در کردستان باشد چون شخصیت و عداوت است حاضر نخواهد شد که وکیل بشود مثل یکی از وکلای گذشته سر و کله ای در مجلس امان بدهد و بانی مدت دو سال را کتبخانه و هر کردستان اشراکت کند. حاج مشیر در کردستان دارای وجهه ایست با قبول نمایندگی آن را از دست خواهد داد.

ولی بیه نظر ابرسه که اگر میزده ای پیش اندازد راجحیور به قبول و کالت نمایند.

### آقای دیوان بیگی سدازی

سوابق منته در خدمات دولتی است و در تهران معروفیت دارد ولی به چیز باعث مخالفت او می شود. و آن حلیات دوره غیر حکومتش در کردستان است.

در اواخر سلطنت شاه لقیه دیوان بیگی حاکم کردستان شد و در زمان حکومت خود فشار عالی بانگین آورد که هران و آبادی بکنند و دست به اقدامات اصلاحی بزنند ولی در اینصورت حلیات قدری تند رفت و از این جهت بیه در صله ۲

به هفته تعطیل روزنامه کردستان ما را از اخبار ولایت محروم کرد ولی مسافرتی که در چند روز اخیر بطهران وارد شده اند تازه های انتخاباتی آن جزا طوری نقل میکنند که معلوم می شود تاخیر شروع انتخابات علتن این است که هنوز قبل از گرفتن رای سالار لازم حاصل نشده است.

از آن وقتی که صحبت انتخابات شروع شده بود تا یکماه و نیم پیش مردم خیال می کردند سه وکیل مستند آقایان آصف - اردلان و وکیل خواهند بود و ظاهر هر دو در تمام این مدت غیر از این سه اسم نامهای دیگر شنیده نشده و اگر چه اجازه شروع انتخابات را دولت صادر نکرده بود ولی مردم انتخاب این سه نفر را تقریباً انجام عده می دانستند و برای همین کار هم چون آقای آصف کاندید بود از فرمان داری استعفا داده و مشایب آن از طرف آقای نیست وزیر بطهران احضار شد.

مدتی ایشان در تهران توقف کرده و بنظوریکه دفعه پیش گفتند گویانست عده کارایان در تهران روشن نبودن وضع انتخابات و بیوفایت بر احوال کلای آنها بود.

ایشان ظاهراً پس از ملاقات های مکرر نتیجه مطلوب و مطابق میل خود گرفتند زیرا طهران را ترک گفتند تا در موقع انتخابات در کردستان باشند چیزی که پس از رفتن ایشان در میان هم ولایتی های گنجگاو داخ عده این بود که ایشان قول گرفته اند که برای خودشان و آقایان حاج مشیر دیوان و وکیل السلطان موافقت خود و از طرف خود ایشان هم راجح به صلاحیت این دولت ضابطه شده است و پیش ها که گنجگاو تر هستند می گویند که از طرف آقای آصف برای تویض بازرسی انتخابات کردستان بناسبت هائی اقدام شده و برقراری که شنیده می شود بازرسی هم احضار گردیده است.

ولی چه روز از مراجعت آقای آصف که گذشت روزی هفتی برای ملاقات من آمد و گفت: « نقش بر گشته گفتم چطور؟ گفت: دیروز عده ای از علماء که بطهران آمده بودند به کردستان برگشتند و آقای حاج سالار فاتح که با آن ها رفتند و می گویند قرار شده است که آقایان حاج مشیر و وکیل السلطان از لیست حذف شوند و بجای آنها آقایان دیوان بیگی و حاج سالار فاتح انتخاب گردند و چون به این صورت موافقت شده و اطمینان یافته اند برای اقدامات به کردستان

### آیا در یونان يك محیط خوبی برای ایجاد جنگ جهانی سوم بوجود آمده است؟

چشم ما امروز یونان سر زمین اسبانی های دلیر و شجاع دوخته شده است ، اروپای بی حرکت و آرام در پی پلش و امید واری های یونان بلرزده در میآید ، موفقیت حساسی به جزیره سیاسی بالکان سرود نظر انگلیس نیزها و بیرونیا سیاست کهنه و دزد های کهنه اسپرالیسم را پیشانی نگاه داده و دردم می شکنند .

خوار و رهنمای آزادی رده مکرکراسی در سرزمین کوهستانی و غیر قابل عبور و نفوذ یونان کم کم داخل میشود ، قسم استکار جدید مردم با کمال و ساده یونان شمالی را گنج و موهبت میکند و با خود میکوبند . آری حقوق آزادی و برابری که در پیشه گوش کشور ما در یوگسلاوی اعلام میشود مگر همان چیزی نیست که مله دلیر و تاریخی یونان آرزو میکند .

فرزندان اسکندر ، ملن های شجاع و جسور نیتوانند گذشته ملی خود را فراموش کنند زیرا با تیرک آن ملی همان خاطراتی که بیاس آن پنج سال تمام طعم مزه لکدچکه های سر بازان گستاخ آلمانی را چشیده است بدست فراموشی نخواهد سپرد ، ملت یونان از بیکت دوران طولی رکود آزاد شده است .

ملن های جسور از هر ساز و سیم زمانی پانته اند ، نره های بیخود دیگر کوههای حساس آنرا از اذیت نیدهند . تجدهد بیات یونان یعنی یونان با آن همه افتخار و جبروت تاریخی مجدداً و از نو در آستان سیاسی جهان طلوع کند یعنی ملت آزاد یونان دوباره و جبروت و همتا گردد یعنی یونان فاتران و خسته در استقرار کاخ صلح آزادانه شرکت کند .

بدون تحقق این جنبش زنده گی برای ملت یونان غیر قابل تحمل است و نهایتاً در سه دهه های امیر بالیوم و مقابل جان فدائی ملت یونان که امروز با هیچ همت خود و صیده تأثیری در تبدیل این جریبان واقعی نتواند داشت ، یونان که در سر راه اروپا و آسیا قرار داده و مانند تاج آریخته و گرانمایی بسر فراز شبه جزیره بالکان جلوه گیری کند در تمام طول تاریخ سیاسی بریتانیا مطمح نظر سیاستمداران آن کشور بوده است و دول تاریخی « کاسن ولت » در این سرزمین گرچه که نتر و واقعیت خاصی برای آن نالانند اینست که بیرونیت که باعث حسی در مقابل پیکه دنیا خصم و دشمن این فاعلام جهانی امپراطوری سلط و نگهبانی خود و برای همه دولت و ایت امیر بالیوم بر این نقطه برینست که در هفت اروپا با وضع دلنشین جلوه گیری میکند بر اثرافت باشد ، موفقیت اجتنامی ، سیاسی ، تاریخی یونان

## وینا و ایران در بنهفته گذشته

و با دلایل و حلال صبیق و با یک جهان بینی صحیح که در آن با توضیحات و دلایل گوناگون مواجه خواهد شد .

بخت ممتد های آینده ما خواهد بود و بعضی است که برای آنکه متوجه صلح و جنبش های سیاسی فعلی که در گوشه و کنار جهان افغان می افتد بهتر درک خود ما حتماً است که آثار اهرورع بوده ایم .

### هفته پیش

## در ایران ما چه گذشت

در حالیکه انتقادات شهرتانیها یکی پس از دیگری پایان میرسد تهران مرموز دلتاق دشوار و سختی را می گذراند .

ملت ایران در این روزها ناظر پایان انتقائات و سختی که اغلب دره زانها است اینست که انتقائات گذرنده که برای ملت غیر مستقره بود و دوره ناپایداری انتقائات تمام شد .

بهر تقدیر انتقائات کامل میان تهران تمام شد و دوازده نظر و کلامی پایتخت که برای استقرار اصول مشروطیت به پارلمان آینده خواهند رفت تسلیم شده میب و حسن انعامان را باید از استکبار که انتقائات در محیط اجتنامی و فکری ملت ایران کرده است و خود یک تفاوت طبیعی و صحیح است نمید .

نایندگان ایلات ایران یعنی آن قسمی از ملت ایران که هنوز از ابتدائی ترین اصول تمدن محرومند ، در این هفتک در تهران از طرف دولت مورد تکریم و تجلیل قرار گرفته گرچه این افعال بدست هائی فرستاده میشود و دهنه و لسی ما که بیخفا ، منطقی و دموکرات منشی وظیفه خود میدانیم که هر صورتی که باشد در کشاکش « بریانات اخیر سر نظر از جنبه های منلی هر عملی فلکان برجسته هر روش مثبت و اصولی را که متضایات اجتنامی کشور ما متعجب آنرا بملت ایران فرمان میدهد تقویت کنیم ، این روش دولت را نیز که بیعت و هیران ایلات ایران است هر چه هم که فیس و یکطرفه باشد شرط لازم حفظ موجودیت ایران میدانیم و همانطور که بارها نوشته ایم باز تکرار مینماییم که بنگفت از اگراد آسیا بایران نگاه میکنند و انجام یک رفت اصلاحات و تنبیرات صحیح و اساسی در منطقه کردستان که بدست افراد صالح و معنی آساز کرده آرزو و اهدال هر فرد کرد وظیفه و ذاتی یک دولت واقع بین است .

### نمایش کوتاهی از

## تحولات سیاسی جهان

### مگر آزمایش (هیروشیما)

### کالی فوهد؟

در پایان جنبه اخیر دومین سپاسی پس از آنکه شهر ناگازاکی

و ایران بود بر هیروشیما انکنده شد . با انکندن این بی معلوم شد که چگونه صلح ازین می رود و چگونه برقرار میشود .

در آن هنگام که مسئله هیروشیما ورد زبان امیر یگن از روزنامه نگاران آمریکا در « ایفاتی زور فال » نوشت « بیایم یک صلح نوشی در تاریخ جنایات جنگ گنوده ، ما دیگر این سلاح و حربه اهریتی را استعمال نخواهیم کرد او برای یک مرتبه و برای همیشه کالی ده .

تبدیل یک شهر زیبا به یک بیابان وسیع و مرگ هشتاد هزار نفر با سرعت بیرون از حد پندار ، پندیر اوچن برای جهان آزاد خواهد بود « دنیا در آن روز به هیروشیما نگاه میکرد و از همین جهت بود که جهانیان را وحشتی فرا گرفته بود اما دبیای فراموشکار انگلیسی زود گذشته را فراموش کرد و موفقیت گنودی سیاسی جهان این پندار و تانیه میکند .

میلناریوم سیاسی دو کشور های مترقی رونق پسزالی گرفت نوده های آزاد جهان در اینروزها ناظر نوع بریانات ناگواری هستند و مثل آنکه یکتک های تاریخ هنوز آنان را بیدار نکرده است .

نگه نشینان شورای امنیت و سابقه نشینان آن در خواب خرگوشی فرو رفته اند .

گرچه در این یکی دو سال صلح ، دنیا از این اوضاع غیر متعزیه بسیار بیخوره دیده است ولی باید دانست که صلح و دموکراسی سرانجام بر تمام این فرستهای زود گذر بیروز خواهد شد

### معنای زغال ، زئیرال سرها

### بیچاره اروپا

اغلب ناسیونالیسمهای عقیم و غیره کننده اروپا امروز خاموشی و بیخودت برپا ایستاده و از کار افتاده اند ، پست روز کالیته های اروپاییش ویش از هر چیز در پیرامون مسئله زغال است ، سرمایه هندی اروپا را نسرا گرفته است ۸۷ کشتی از بندرگاههای لندن دیروز توانسته هیزت کنند ، ترلها بواسطه برپ سنگینی که در انگلستان و اسکاتلند باریده و نیتوانند حرکت نمایند ، شدت سرما در آلمان فوق العاده است ، بیچاره اروپا دو زنجیر گرسنگی و سرما چون نگین انگشتری در محاسره خطرات واقع شده است .

آلمان که تصور میکنند امروز قوانین و مقررات پیمان های صلح و اندیشه انجمن مسکو و اداره آلمان بر انگار جهانیان حکومت میکند باید بداند که هدف و محور مشترک ملت اروپا امروز نان و زغال و فرار از دست این بیات است .

### در پیرامون بیانات

### پرزیدنت ترومن

پرزیدنت ترومن واقع بقنایت سازمان ملل متفق در سال ۱۹۴۶ گزارشی مشتمل بر ۲۲۰ صفحه بنگرند آمریکا گفته بود ، منتر ترومن بیانات خود را بدین طریق آغاز میکند

« هیچ حومی به سازمان مشورتی است که در آن کلیه اعضاء حق شرکت در مذاکرات حومی را داشته و نظر فایندگان حتی القدر بهم نزدیک شده و بصورت توصیه هائی در میآید هیچ حومی در اثر قوت عقاید حومی اعضاء خویش بیش از هر سازمان بین المللی در سیاست اعضاء سازمان ملل متفق مؤثر است .

آنگاه پرزیدنت ترومن اشاره به فعالیت های سیاسی جهانی سازمان ملل متفق و شورا امنیت از صدر تأسیس تا اکنون نمود و اشاره بستله ایران - قضیه نرانه و سیام و یوگسلاوی نمود و از لغو این حقوق بفرسهر نرانه ، مللی آزاد که این روزها چشم بسکو و کنتراس آینده بیشتران سیاسی موخته است با سابقه های مختلف نظیر پرزیدنت ترومن را تفسیر میکند و غموصا بر این قسمت از بیانات رئیس جمهور آمریکا توجه دارد .

دولت آمریکا کجا از حق مره و لسی برای اقامه دعوی خود در شورای امنیت پشتیبانی نمود و نیز اصرار دارد که شورای امنیت قبل از اتخاذ هر تصمیم در محل مبادرت بتحقیقات کامل نماید ، شورا امنیت مظهر تابلات و اراده است . ملت است و کلیه اعضاء سازمان ملل متفق مسئولیت مشترک نگاهداری صلح و آرامش بین المللی را بعهده دارند .

### امواج ترور و کشتار

### در فلسطین شدت میگیرد

شورای ملل یهود و فلسطین را انگلیس را رد کرد . کابینه انگلیس در باره فلسطین جلسه فوق العاده تشکیل داده ، نباید گمان اهراب و اضی بقسبم فلسطین داده اند .

زئیرال مارشال وزیر جدید خارجه امریکا ضمن بیان بی نامی آزادی یهودیان اشاره کرد ، پیشوا یسان و ملت یهود آزادی به یهودیان را بعنوان آزادی یک ملت و یک قوم مستقل خواستارند و ترور بست ها میکوبند اینکار با مسالمت و صلح جویی امکان پذیر نیست دست دست از انگلیسهای مقیم فلسطین از این شهر مهاجرت میکنند و وضعیت فلسطین را اداره خواهد کرد در حالیکه کاملاً معلوم است دستهای بر روی این آتش ملت میآهنند .

### کهنه و لو

مسفر مارشال روزی امور خارجه امریکا ضمن یک معاهده مطبوعه سیاسی خارجه امریکا را تشریح نمود نظر سیاسی امریکا را واضح بیان نمود ملل متفق و کنترل نیروی اتومبیک و کنتراس مسکو بیان کرد ، پیشنهاد جدید انگلیس در باره فلسطین تسلیم و هیران حرب و بیخود کرده .

دکتر سوگارتو با پیمان هلند و

اندولای مخالف است .

سیم بروز و تاریخ ناگوار در همین

میخورد .

در هند هنوز برده داده دارد

# تاریخ و ریشه زادروز

(۸)

تواریخ می نویسند که سمانک پسر گومرت که سردار نشون ایران بود در جنگ پادشاه کشته شده است کتیبه ای از «شاه کالی شاری» نوه «نارام سین» پادشاه «آ» کده بدست آمده که معلوم می دارد در عهد این پادشاه (۲۷۱۱-۲۶۸۸ قبل از میلاد) کوهی را جنگی با آگادی ها کرده پادشاه خود «هرلک» را از دست داده اند. کوهی را تازه هروج به کشور گشائی کرده در این جنگ سردار رشید خود را گم کرده اند. منته این واقعه را در آوازهای خود داخل نموده بر سر قرن ها که آواز اول فعل به نسل بعد منتقل شده لفظ «هرلک» گم گم تغییر شکل داده سمانک شده است. مثل های زیادی در دست است که مرور ایام در لجه های مختلفه «س» جای «ش» در «جای» «ی» «و» «ل» جای «م» را گرفته است.

شاهنامه می نویسد: پس از گومرت، هوشنگ پادشاه شد. این پادشاه هم از نظر حیاهت نام باید «اگیش هوش» پادشاه کوهی باشد. در فهرست پادشاهان کوهی که بدست آمده پس از اگیش هوش نام «ارلکب» نیا پد هده است که مسکن است پسر اگیش هوش بوده باشد.

کشایطی پهلوی هم نام پسر هوشنگ «این گوبت» نیا می کنند که مسکن است مبین ارلکب بوده باشد. در اوستا نام این پادشاه «هوشین کبه» و لقبش «برزات» است و اولین پادشاه روی زمین سر ملی شده است. لفظ برزات بر سر «پیشداد» هده و باین مناسبت است که سلسله پادشاهان پیش از اگیش و پیشدادیان خوانده اند. به از این قول شاهنامه «طهمورث گرد» می آید که دیوها را گرفته در بند نموده به طهمورث دیو بنده منقلب کرده است. نام طهمورث در اوستا «تیمروپ» و لقبش «ازین وانه» است که بعدها «زیناوه» و یعنی سلج ترجمه شده است. «ازین» باید یعنی آهن بوده باشد که امروز هم در زبان کرده ای آهن را آهن میگویند. «تیمروپ» ازین وانه «سرور طهمورث» دیو بنده شده است.

بقول زردخت بینبر. این پادشاه به هفت کشور فرمانروایی میکرد و است از انروز معلوم میشود بزرگترین پادشاه کوهی بوده است. اما بزرگترین پادشاه کوهی «اگری دابزیر» نام داشته که هده و سا کیت خود «الوق النامه» و مست داده است و در حقیقت به هفت کشور حکومت می کرده این پادشاه هم اصالتش «مطانت» با طهمورث دارد و هم نامش نسبتاً قبیله است پس آوازه ای ملی بر سر نرها لفظ «دابزیر» را «داری» «داسوری» و بالاخره «طهمورث» تغییر داده اند. بنا بر این هده میشود حیاهت دابزیر به طهمورث خیلی بیشتر از تیمروپ به طهمورث است که در پیشی نوشته ها و تواریخ آمده است.

## برای اطلاع وزارت بهداشتی

از سطر

بیماری همه گیری تب راجعه در تراه سورن آباد و جیش شایع شده بریاست به بیماری استان ه گوارش داده آقای دکتر دنتری لورا داروی لازم و وسیله آقای دکتر الهی مسالجاتی لازم بجا آورده چندین نفر کشاورز از خطر مرگ بجات داده اند باین وسیله از مراسم آقای دکتر دنتری لورا عالی کرده امیدوارم از طرف وزارت بهداشتی وسایل تشویق آقای دکتر عبدالعزیز الهی جوان نوحه رسد فراهم گردد از طرف چهار صه نفر کشاورز محمد ولی حیدری

دو کت خاوری هم کتاب دایران و اهلیت در ضمن بفرم تا لایف داشته پ. پ. پ. می نویسد، و از تدقیقات آداب و رسوم بهی تدبیر هند ایران معلوم شده است که خیلی پیش از استیلای هند از طرف داریوش روابط بهتری در میان هند و ایران موجود بوده است. هواه روابط تدبیر نزدی در طایفه شهابت زبان - حرف و عاده - عقاید و مراسم مذهبی ایشان است. مستقیم هه متنق الفوتند که آریایی های هندی از آریایی های ایران تقریباً هوار و پانصد سال پیش از میلاد جدا شده اند.

قرن ۱۵ قبل از میلاد دوره کشور گشائی کوهی ها بوده معلوم می شود از طرف خاوری هم هند را تصرف نموده اند. کتاب مورخ در جای دیگر می نویسد: و جنبه را در آسائه های تدبیر ایرانیان باز نموده با ما نام داده در طرف نهرمان ملی خود می خوانند این هم دلیل است که جنبه پادشاه در دو منطقه بوده بنا بر این، این وست با تریف وست منطقه حکمرانی جنبه و کشور گشائی او متناسب است گفته گریستن سن را که از کتاب «حسامه سرائی ایران» اقتباس نموده ایم می گوید:

«جم به دیوان فرمان داد که بخش بسازند و چون ساخته شد آن را بر دوش گرفتند. از دناوند به بابل برده از دین او که بر تخت خود چون خورشید می درخشید به حیرت افتادند» در آن عهد از آریایی ها فقط کاسیت ها بوده اند که در بابل حکم رانی میکردند در خصوص پداهن نام جنبه هم پارسه گفت با از لفظ کاسیت که بر سر جاهت - جنبه هده و یا از نام گانهش فاتح بابل آمده است باین ترتیب امروز هم کرد ها هید را تیش و با تیش میگویند شاید در زبان باستانی ایران هم دیش بوده زیرا در اسامی گانهش و لرور تیش باین من می آمده است: بنا بر این گانهش و لرور تیش بر سر جان دیش وید ها که در فارسی بجای دیش، هید بکار رفته جان دیش هم جان هید و بالاخره جنبه هده است.

## از اداره کل شهر بانی آقای مدیر محترم روزنامه کوهستان

با توجه به خبر منتشره در شماره ۷۴ روزنامه کوهستان موضوع توقیف در شماره روزنامه مزبور در سبز بوسیله سروان راستکار احضار میدارد که طبق تحقیق و گزارش واصله خبر مزبور بکلی کذب و بر خلاف حقیقت میباشد لذا مقتضی است برای رفع سوء تفاهم مقرر دارید مراتب را در روزنامه هودج ناپند

رئیس شهر بانی گل کشور مرتب صفاری

کوهستان - راجع به توقیف روزنامه حرفی نداریم ولی نسبت به حیاهت ایشان امید داریم از طرف اداره کل شهر بانی تحقیقات بیشتری بشود و این صورت گمان میکنیم آتیه نوبت هده مورد تصدیق واقع گردد

## روسیاهی بزغال ماند

پرونده سازی در این سلکت رواج صیبی دارد و چه با احساس بی گناه را هدهای استفاده جو به منظور کسب منافع عصبی لکه دار نموده و هاست های بر ایشان فراهم میسازند چندی قبل آقایان طلب اقتصادی صالح اسد زاده و عبدالملکی انتصاری از طرف دیوان کفر مورخ شهاب تراز گرفته در بدو امر هر چند تقاضاهای رسیدگی می فرضا کرده گوش ناپند دیوان کفر گرامشاه بدکار نشدو آن مامور بجا خود پرونده را ساخت و مرتب عقبات خلاف قانون هم هده ولی چون رای او که آقایان فوق را به اختلاس ۴۴۳۷۰۰۰ ریال متهم ساخته بود مورد رسیدگی شد دیوان کفر رایع هده و جدا هم رسیدگی شد آقایان فوق الذکر که بیگناه بوده روز پنجشنبه گذشت تبره هده در روسیاهی به ذغال ماند

امیدواریم با توجه ببریان فوق و هیچه آن اولیای محترم امور رسد و رفع خسارات وارده و جبران گذشت بر آمده و از ضایع هده حقوق آنان جلوگیری ناپند

## انتخابات گروس

هفته گذشته انتخابات گروس شروع شد و تا چند روز دیگر وکیل آتیمین خواهد گردید ولی قراین نشان می دهد که هیچکدام از اشخاصی که تا دو هفته اخیر نامود بوده اند ملوق هده امانتد بلکه تره بنام آقای اورت اسابت نموده است. تکرانی دیروز به اداره روزنامه رسید که بر ۳۰ نفر امضا کرده بود و در آن از دولت تقاضا نموده بودند که با کتیداهن آقای مادن امیرانی موافقت کرده و شنا امانه نموده بودند که آقای اورتک شنشنگراف حضورش به گمان خود اعلام داشته اند که از کانه پدا بودن نیروی کوه صرف نظر نموده و دولت میبایست کرده که از گروس وکیل شود. این تکران ۴۳۰ نفری است هده آزادی انتخابات را نموده است

پيام آنگاه عبدالعبد معرفت

### سياستگذاري و شبهه از شرح حال مرحوم حاج شيخ عبدالله شهبازي طاب ثراه

روز نيشته ۲۴ بهمن ماه جاري از طرف جناب آنگاه عیدالعبید مستندی مجلس تذکری بیاد بود مرحوم حاج شیخ عبدالله شهبازی طاب ثراه در مسجد مسجد با حضور جمع کثیری از روحانیون عظام و رجال فاسی من جمله حضرت آیات الله بیبیهاری و حضرت آیات الله امام جمعه تهران و جناب آنگاه سبزی ریاست محترم دربار هاشمیان و عده زیاده دیگری از مسترین شهر برپا بود.

این جانب بنا به استیضاح اسامات گری که از طرف حشار معتزله ابراز شدی بیانات فیوای آنگاه فلسفی واعظ مشهور خاتمه یافت شدن بیان شبهه ای از شرح حال تقدیمه لازم میدانم از طرف خود و صوم ارادتمندان مرحوم شیخ از ذوات محترمی که بنام تنظیم هئیس دینی و احترام بقلم مقدس روحانیت و تجلیل روح پر نوح عالم روحانی و ربانی مرحوم حاج شیخ عبدالله شهبازی طاب ثراه در مجلس مذکور تشریف فرما شده و طوب افسرده منسوبان و ارادتمندان آن مرحوم را تسلیت پهنیده اند سیاستگذاری بنام.

امروز که بحسب آیه و آله در اثر حسن توجه ذات اندس هابونی و جناب اعراف آنگاه نصرت وزیر و ایاه محترم دولت و تفکرات پدرازه مریدان حقیقی ملت پینی صحیح اسلام و آیات الله العظام گرفتار اثنا بهم یک وحدت حقیقی در میان مسلمین ایران ایجاد کرده برای اینکه از شخصیت آن مرحوم استحضار بیشتری حاصل آید اختصاراً برض من رسانده.

مرحوم شیخ السالکین حاج شیخ عبدالله شهبازی خلف الصمد مرحوم حاج شیخ هکرات شهباز ندس مره و از اجله روحانیون کبار و سر سلسله طریقه نقشبندیه در ایران بوده و در تمام مدت زندگی هم خود را صرف تبلیغات دینی و ارشاد و هدایت خلق پندار پرستی و لیکو کاری و شاه و مبین دوستی فرموده است و از لحاظ مراتب تقوی و فضیلت و زهد و ورع و دستگیری ضلعا و بی اعتنائی بکن دنیا مورد تکریم خاص و عام آن سامان بود.

تقدیر مرحوم و پسر بزرگوارش علاوه بر مراتب مروضه سرپرستی بقه منبر که حضرت هاجر خاتون خواهر حضرت علی ابن موسی الرضا و حضرت منصوره علییم الصعیت و الثارا که در قبر سنده مدفون است داشته اند و صداقت و اخلاص این خانواده بقادگان حضرت خنی مرتبت سلفه و علیه وآله وسلم و تصدی بقه شریکه یکی دیگر از دلایل احترام خاندان مزبور در بین مردم کردستان گردیده.

مرحوم حاج شیخ عبدالله مردی به تمام معنی مسلمان و زاهد و پارسا و غیر غرور بوده و زده گانی عارفانه خود را در گره خاگاه هاروع و در حضور جوانی به زیارت مکه مطهره مشرف و اسما

### در فوت مرحوم حاج شیخ عبدالله شهبازی طاب ثراه مرثیه

بیست این نوحا چوروز دستخبرانه در زمین گفته است از خون دیده روی ماهون ماهو وطن از لم جوی دو چشم اندر جهان سد چشمه خون و ز سر شک دیده ها اوزان هده دو تنین از دغان آه جان سوز دل اسلامیان غیم غم بگریخته تون لرن چر عظیمین سوو عالم سوک گردیده زمامی تا بیه جنگلی سرد حنین ماتم و کرم این جامه را اندر شرم گرهون تو گوئی بلبل زد زین نشان سوگواری عیسی گردون نشین اشکر قلب جفا آورده ها کرده کباب مرغ و ماهی در هوا و پسر شیر اندر هرین پیر و برنا صالح و طالع گدا و افتیا عالم و عامی هه با آه و حسرت هدترین گوئی از منرب بر آورده سر امروز آندوب روز روشن را شب پلدا دیده کسی چنین چون نه ماتم چنین لوتنا پسر گوته روز رستاخیز بر پا کشته پنهانم یقین دین روز قیامت خوشتر آه مر سرا تا چشم خویش دیدن کسر صد رو پشت دین این چنین باشد همیشه مار چرخ و از کون این همین باید مداماً دور دهر بر زکین هر دمی صد تیر را دارد ندر اندر کمان چون نضا باشد اجل مر احمده اندر کمین آن مهین شهباز اوج معرفت پیر عقی -

شیخ عبدالله شهبازی رئیس عارلین آفتاب برج وقت گوهر و درج ادب کوه هرمان پیر احسان عزت حسن حسین پایه اش پا بر سر گردون نهاده از شرف سایه اش رسیده کردی چرخ گردان با جبین اوستاه اوسنادان صدا و معرفت کشته بر تلونین جل ممکن تکبیر ممکن مقون علم و حیا و معدن جود و سخا مطهر انوار داور مقدر دین مبین حقیق آلهه لاسب مریدان طریق

خان کعبینه تلقین سردان مشین لیکهوا و لیکهوی و لیکهوی و لیکه خلق لیکهوی و لیکهوی و لیکهوی و لیکه گوی و لیکه بین پای زین فرش نری پناه سوی لامکان چونکه قلبش بود عرض حضرت رب مبین روز سه شنبه ده و دوز اولین ماه ربیع یعنی روز رحمت و میلاد ختم الرسلیه پیر مولودش تو گوئی نقد جان ایتار کرد یا که پیر رحلتش بقضیه روح نازنین جان چنان باید ندا کردن براه دوستان سنت رحلت جفا آوردن و وفات چنین چونکه مسئولات غائم را بهل متفوش داشت زان مونسق ساختنش ایزد اجام حسین رفت زین دلپای فاسی میبوت شه شاه گشت از مقدمش نصر جان و سوو هرین سوی نردوس برین با کام دل پرواز کرد و به فردوس آن مکان صالحه و خالده بین هاتم گفنا به تاریخش که با شاهان سامان روح عبدالله دران نردوس رب العالمین ۱۳۶۶

حدیث پسر تسکین جفا کردی چاست آن (عید) عابد و (صدیق) با فرو لکین سلخ هده آن مه بتایه با آلهی تا ابه کو کبیرین برین ماه دین و سادین غمه گنر شور (ستوده) از انکه هست از لطف حق چا نشین پیر صاحب دین دو بود با فرین مرثیه لسوق را آنگاه ابراهیم ستوده برشته نظم در آورده اند.

بیر با وجود کبر سن و ضعف بنیه و استهلاقی مرض زیارت هفتاب عالیات موفق و بدداز مراجعت هفتان تا آخر مردود گوته انزوا مشکف بود

خانقاه آن مرحوم از برکت شخصیت پازر خود و پسر بزرگوارش منجا و پناه مستندان و محل تسمن و توسل مقلوبین و دادخواهان و مرجع حوایج صومی و اجتماعی ناطقه اهالی کردستان بوده و میباده و خانقاه مزبور از دیر زمانی مورد توجه صوم و صومواره شفاعات مرحوم هبب مقبول پیشگاه سلاطین و دوله های وقت مزار گرفته است.

بسیارهای اخلاقی و روحی این مره خدا و فضایل خاندانش قدری زیاد است که بدین مختصر نمی گنجد و ما برای معرفی کامل و یاد بود آن مرحوم از حداتوفیق می خواهیم کتاب خطاب السبعات فی تریب الرضعات را که از طرف مرحوم حاج میرزا پینی معرفت طاب ثراه و الدم در تشریح حالات و توصیف جسمی از روحانیون کبار و مشایخ طریقه نقشبندیه و این مره جلیل القدر تالیف شده جناب و به عالم روحانیت اهدا نمائیم

حسن تجدید مراتب سیاستگذاری از اشعار تنقه و احساسات سیاسی که ابراز شده برض میرسام بیگانه تملای خاطر معیت زده گان همانا و احوال و اوائت و عطوفت شاهنشاه معیوب است که ذرات محظش را مضاط ساخته عرض میکنم صا کر برود بک نسترو را بقا باد آن سوس سرو چین را

### اتحادیه دانشجویان کردستان گوهستان

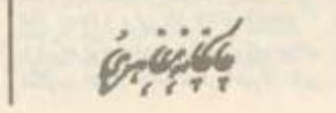
ما اعضا کنندگان زیر پای عده از دانشجویان کرد دانشگاه اردلان تشکیل اتحادیه دانشجویان کرد دانشگاه سبت با ندهامات اصلاح طلبانه احادیه مذکور کتاب خوشبینی را داشته و گرچه هنوز عضویت آنرا پذیرفته بودیم همیشه از منویات رفتاری دانشجوی خود که تحت عنوان فوق وقت عزیز خود وادر راه اصلاح اوضاع کردستان صرف مر نایسته پشتیبانی کرده ایم اکنون که مناسفانه چند تن از رفقای دیگر دانشجوی روی اغراضی خصوصی سبت با اتحادیه بدون مورد احترام و حتی توهین نوده اند بدینوسیله بیوستگی خود را با اتحادیه دانشجویان کرد اعلام می داریم تا جبهه دانشجویان اصلاح طلب تقویت شود

مهدی نظر اردلان دانشجوی حقوق - چینی معتمد وزیر دانشجوی حقوق - منصور باروتی دانشجوی پزشکی - هابون اردلان دانشجوی حقوق - اقبال و هفان دانشجوی علوم - فریدون اردلان دانشجوی حقوق - هاهم هوشمند دانشجوی حقوق - اختیارالدینی دانشجوی ادبیات - محمد حسن اردلان دانشجوی حقوق - هاشام خوالی دانشجوی داروسازی

# کرد و کردستان شماره اولان

- ۸۱ -

شاهزاده هم در آنجا فرایت نیسی خود را بفاد تا به نداید. اگر نه تا یکطرفی دن کار روبه بیطرفی اتهاذ نماید. اینجاب هم در پیوسته این گردابها و این جزر و مد های دریای سیاست گیر کرده مانده بودم متحیر گاهی مزه میگردم بلکه بروم غیرت مانع بود گاهی میگذردم کردستان بنام تاریکی اجازه ندادد بالاخره حکم ( در بلا بودن به از بیم بلا است ) رفتن طهران را صلاح دانسته سلب تولیت دارالاسلام را از شاهزاده حجت الاسلام بیانه ساخته به طهران حرکت کرده وارد منزل حاج شیخ فضل الله نوری قدیم که پیش از وقت جمعی را از آقایان علما طهران از قبیل امام جمعه و ظهیر الاسلام و سلطان العلماء و شیخ نیسی چاله میدان و شیخ جعفر کلباسکنی و حاج آقا علی اکبر داماد شیخ و شیخ احمد عرب و غیرهم برای درود ماد دعوت کرده بود پس از ملی تمارفتن هر شب صرف هدو آقایان تشریف بردند حاج شیخ فرمود فردا در باغ شاه مجلسی مرکب از سفراء و علما و کلبه مضاف مسئله طهران مشکلات میباید بود گفتن غیرت را بیگیرند که اگر اکثریت با هر طرف شد همان را اجرا کنند اگر خستگی راه مانع نیست بگویم ورنه دعوت برای شاه امام میاورند که در انجام مسکن است ملاقات شاه بصل بیاید فقیر گفتن خستگی یا ملاقات شیخ ومع هد. هر جا که آفتاب وجود مبارک تشریف ببرد امام چون سایه پشت سرو حاضریم فیماز مذاکرات ما خوشحال شد تا غروب تشریف داشتند و بنده اندرون رفتم آقایان رفقایم پس از صرف خام از شدت خستگی خوابیدند من به ادما سپردم چای تازه برای من حاضر کنند و بنده آنها هم بروم بخواهاند تا حاضر شدن چای شروع کردم به تهیه لایحه برای مجلس فردا اینکه تقوما برداشتم فکرم برای جدا کردن زمینه بجزر و مد افتادنید انتم چه بنویسم. اگر در مدح استبداد چیزی می نوشتم خلاف وجدان و منافع انسانی نظرت بود و اگر در مدح مشروطیت می نوشتم خلاف مفروضاتشای موقع بود. اگر هم بیگوت میگردادم غرضت از دست میرفت علاوه تصور هم میکردم که حکومت و مخالفین باید در درشن تشریفات خیر اندیشه خودشان سوا بین خبرها اطلاع داشته باشند که گفتم مشروطه خواه است ( این حدس تصور هم از قضا ما بود ) زیرا دو نسه از بیان نامه انتحاییه اینجمن سعادت وا که سابق ذکر کرده ام برای حاج شیخ فضل الله و امیر بهادر فرستاده بودند آینه هم دولتان خواسته بود نوشته بودند) البته در مقابل هیچو پیش آمدی سکوت فکرم موجب پیشرفت آزادی مخالفین بوده بالاخره تقررا دست گرفته و از



## قابل توجه جناب آقای مدیر کل محترم ثبت اسناد و املاک کشور

از مستحق

باز عایت ماده ۱۸ مکرر و با تشخص کسبونی که اعضاء آن هیات از مالک با نایبند او با نایبند اداره و سه با پنج نفر از کارشناسان که مقومی و اطلاع آنها بنصدهین ادارات و مودیان باشد و اینها بنصدهین ادارات و مودیان اداره ثبت باید بدون ابلاغ نظر کارشناسی سالک با نایبونی بین فیست اظهار شده در اظهارنامه و بین تقویم های منتهی اقدام بصورت سند بنایبند و پذیر اینکه چون بهای ملک در دفتر املاک ثبت گردیده دست زدن بان غیر ممکن است و حال آنکه در مراحل حقوقی و جوانی محکوم علیه از تمام رای مطلع میگردد و مدتی هم برای تقدیم اعتراض و دفاع از حق خود را در اختیار او خوانده گذاشت. چقدر جای تاسف است که تا پنج ماه قبل اصولا رعایت مقررات فوق در کردستان معمول نبود و با اینکه آقای مهبوبی رئیس فعلی ثبت خود را موافق نشان میدهند و برای رفع نواقص اقدام خواهند نمود و تقویم املاک که در بعضی جا پذیردی غیر عادلانه است که نسبتی با تقویم سال ۱۳۲۱ نداشته و با توجه به اعلی ثبت خانه در سال های ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ که نرخ دولتی تنی ۳۵۰ تومان بوده است و در سال ۱۳۲۴ نرخ رسمی تنی ۲۱۰ تومان تقویم غیر عادلانی و غیر حق ثبت کردستان که برای بار سوم و چهارم میل آمده است در بعضی جاها از حدی ۱۲۰۰ تفاوت یافته است تازه خود این تقویم ناسق و ناروا در همه جا صادق نخواهد کرد بلکه اگر بدفاتر جزء جمع دارایی باشیبه میبری سنوات ۳۰۴ ۱۳۱۳ دارایی و صورت برداری سنوات ۳۲۲ اداره اقتصاد را نیز منظور بدانیم و به نسبت آنها بهای املاک را تقویم کنیم بنده میشود که تفاوت های فاحش و اغماض و اجناساتی را موقوف هاری از تشخص کردستان مرتکب گردیده است که موجب تصوراتی را به برکس خواهد داد. با تشریح مختصری از اینها بهای یا نظریات خاص چاره در ثبت کردستان تا پنج ماه قبل نشان میدهند که اصلا اولیای و صدور اسناد مردم و وسیله برای سرگردانی مالکین و رکود خاص کار ادارات ثبت بوده است.

در خانه انتظار مراجعه کنندگان از ثبت کل و آقای مهبوبی رئیس فعلی که مراد مقرراتی میباشد چنان است که رعایت امر به های ثبت کل و اصول نواین و آخرین نامه های ثبتی را کاملا مورد نظر قرار داده و از اولیای غیر مسئول و غیر عادلانه سال ۱۳۲۴ که در اغلب جاها با حقیقت وفق نداشته است صرف نظر و تقویم املاک را گ کاری است مستلزم داشتن اطلاعات گانی به برکس بود اطلاع و غیر منصفی سپرد نشود تر اشکالات مراجعه کنندگان مرتفع و وصل ثبت نویسان منظور و ضمنی قانون آن اطلاق داشته باشد.

اداره ثبت اداره بهره برداری و اطلاعاتی مانند دارایی و ادارات معادن و غیره هست که سرعایتی سرهاری برای دولت بتواند واقع گردد و آنرا بتوان خزانه مسلکتی نام گذارد. بلکه اداره های است مانند حدفاصلی بین استان منظومه در سنوات قبل از ایجاد اداره مزبور و انتحای معاضد رسمی برای هم آهنگی بین اسناد جدید بسبک اصولی مانند سایر مالک و جلوگیری از نقل و انتقالی که احتمال تصور تقلبات در آن میرفت مانند خرید و فروش روی قبایله چان قدیمه و جبریا با انداختن پاره اسناد جعلی و بسنظور احترام استاد مقادیری تیر باطل میشود که تا هر چه زود تر هیات کل ادارات قضایی را از تراکم کار و مراجعات آسوده سازد و حدود حقوق اغماض روی اصول صحیح و منطقی سقوط مساوات از جنبه خصوصی بین تابع و مشتری خارج و در دفاتر از سه معصوم و بیسرای جلوگیری از طلب و بیع و هرا در چنه این جا منسکر گردد.

اداره ثبت حسنا چون اداره ایست که دارایی و اموال مردم در تاسیس و دفاتر آن میباشد باید حقوق مردم و طرفدار روی ادارات بقوانین و حقوق اغماض منسکی بنایبند.

۱- نکته با انتظار رعایت دو نامه شماره ۱۱۲۹۹ و ۱۱۲۹۸ مورخه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۱ و شماره ۱۲۹۱۹ مورخه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۲۱ است منظور فرمائید که مفاد ماده ۱۸ مکرر قانون ثبت مسوده توجه واقع شده و رعایت اجرای آن ثبت کردستان ضمن دستور موکدی تا کید شود.

۲- هر آینه املاکی در سنوات قبل بنیست رسیده است و آن به لغظی (از قبیل اعتراضات سرحدی - به اصل ملک - فوت مالک - عدم حضور رانته - دعاری وراثت) و یا بطلی که تصور ناه از طرف ثبت بوده و با اعلی که در نتیجه کنده کار دستگاه های قضایی منجر بنایبشر مستنده سزاوار نیست که بنالنی بنام تهریبهای املاک و باغسارت از مالک مطالب شود

۳- هرگاه در مورد ارز با یسی ملک اغطاری بنالک نسوده باشند و مالک بون تسکین بتقویم ملک خود داشته و سند بوسا در کرده بنده باشد تصور در عدم اغط مند و پرداخت حق التیست و هزینه مقدماتی مستقیما از ناحیه مالک بوده باشد قضی است باید بملنی بنام جرم تادیب نماید

۴- چون در موارد حقوقی اهم از هفصیت های حقوقی یا ادارات حقوقی باید یا جنبه تساوی و تراش امور بر گواری کرده تا اینکه معامله بک طرفه بوده و جنبه فشار از طرف ادارات ایجاد بقولی را بانی گردد تشخص ارز با یسی املاک باید با اطلاع مودی برسد.

هر آینه اختلافاتی در بین بود یا

سخن مخصوص الحادیه  
دانشجویان کرد دانشگاه

« حمله مغرضین جبهه دانشجویان اصلاح طلب را تقویت کرد »

هفته گذشته مطالبی در روزنامه کوهستان منتشر شده بود که موجب تأسف و تأسب و در همین حال باعث امیدواری و مسرت ما گردید. متأسفانه هم از اینکه چند تن از رفقای عزیز ما که در میان آنها کسانی دیده میشد که اصلاح طلبی و نیابت نفس ایشان مورد قبول خود ما نیز می باشد باشیوه و لحن نامطلوبی که « آبرو و حیثیت دانشجویان خودشان را متراولر میباشند شروع به تهاجم و هتاک می نمودند بوده است. هتاک آور تر از هر چیز این بود که چگونه رفقای که بکرات ما را مورد تقدیر قرار داده و به تنهایی اتحادیه و هیئت آن اعتراض نهاده اند بلکه در حرف و رویداد به آن نیز بودند بناگاه آن نامه سرگشاده آنها را تکلف داد و وادارشان به بیامان بر علیه رفقای دیرین خود نمود!

ولی خوشبختانه انتظار ما چندان طولی نکشید و با تطبیقات مختصر و « تلذکر و دوستانه » یکی از رفقا حقیقت موضوع کاملاً بر ما واضح گردید و معلوم شد چون کسانی در خارج با مضطرب نامه سرگشاده اتحادیه سر مخالفت دارند و رفقای « شجاع » مساحت محاطی خاص که خود بهتر میدانند ایجاد میکنند جز اینکه حقیقت امر را بر چند تن از رفقا منتقل نموده تا نامه به امضای آنها برسانند و خود نیز « برای اطفاء احساسات او تسکین تأثرات شدید قلب را ( به بعضی رفقای خوش ) بر صحنه کافه جولان دهند چاره دیگری نداشته اند » ما همانطور که از رفقای عزیز خود که آن نامه را امضا کرده و بخشی از آنها نیز چون اهل کرمانشاه و گروس اند به اوضاع متنج اخلاقی کامل ندارند و در تهیه آن نامه ابتکار و نظری نداشته اند گله مند هستیم از این آقایان نیز بیچون و چرا العاف نیست و بعضی حاصل نتایج و اطمینان می دهیم که مبارزه ما هم بهر صورت و شکلی که باشد برای رشد و تنبیه این اجنبان ناپسند است که باطنی خود و برای اجرای امر آموزش و اداری میشود قلب را بدست گرفته بر علیه رفقای دانشجوی خود « جولان » فرآورده!

خوشوقتیم که اکثریت رفقای عزیز ما سایر روشنگران کلام را با اوضاع بوده و بیدار و هشیوارند چنانکه در ظرف هفته اخیر ده ها نامه از روشنگران کسره میسر مرگ و شهرستان ها بار رسیده و پشتیبانی خویش را از ما در مقابل عناصر مغرض اعلام داشته اند که اینک برای توده نامه ای که از طرف نهادهای از رفقای بنام و با شخصیت ما رسیده است به عنوان تشکر از احساسات پاک آنان و هم برای اینکه « حقیقت امر را در صحنه استحضار عامه قرار داده باشیم

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۱۳۲۵/۱۰/۱۹ بانوملوك بره طی دادخواست شماره ۸۱۱/۲۵ تقدیم وبه استاد برك اسلامیه ورو نوشت شناسنامه خود و رونوشت خلاصه مرك و برك كورستان شهر فوت مرحوم كز بلائی حاجی بره رادر ۱۳۲۵/۷/۲۰ فوت تهران جایگاه حبشگی اعلام و مناقضه ( بانوملوك بره ) رادختر و بانو صغری بره را عیال و وراثت معصر متوفی صغری و تقاضای گواهی نامه حصر وراثت نموده است دادگاه پاشین اظهارات شهود اینک مراتب ۳ اوبت متوالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور ودر روزنامه کوهستان آگهی مینماید هر کسی اعتراض دارد ظرف مدت مذکور تقدیم دارد و همچنین اگر وصیت نامه از متوفی بود کسی موجود است تاکنون ابراز نشده در همین مدت ابراز کند والا با گذشتن مدت اقدام تقضی میشود و هیچ وصیت نامه جزوسی و سری معتبر نخواهد بود.

رئیس قضاة دادگاه بخش طهران - خلیل میری - آ - ۶۰ - ۲ - ۳

آگهی حصر وراثت

آقای ابرج پروین درخواستی به دادگاه بخش کردستان تقدیم که جسر پروین جگری مذهب مهم دانی مستحق فوت وارث او منحصر به سه پسر ( علی - ابرج - کاظم ) و سه دختر ( لاطله سلطان - حاجیه - زهرا ) میباشد باستانه گواهی نامه و شناسنامه برای استفاده وراثت از کلیه ترکه متوفی صدور گواهی حصر وراثت خواستار لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه رسمی کشور و کوهستان درج مینماید اگر کسی واخواهی یا وصیت نامه سری یا رسمی دارد از شراولین آگهی نامه ماه باین دادگاه مراجعه والا گواهی صادر میشود.

رئیس دادگاه بخش کردستان - غیاسی - آ - ۲ - ۳

آگهی حصر وراثت

خدیجه خانم نیرآبی درخواستی به دادگاه بخش کردستان تقدیم که علی خان نیرآبی مهم دانی مستحق فوت نموده وارث او منحصر به سه پسر ( بهادار - منظر - علی اشرف ) و سه دختر ( فرشته - ماهمیر - مریم ) و یک (وجه ) « خدیجه » میباشد باستانه گواهی نامه و شناسنامه برای استفاده وراثت از کلیه ترکه مورث صدور گواهی حصر وراثت خواستار لذا مراتب سه بار متوالی در روزنامه رسمی کشور و روزنامه کوهستان درج مینماید اگر کسی واخواهی یا وصیتنامه سری یا رسمی دارد از تاریخ نشر اولین آگهی نامه باین دادگاه مراجعه والا گواهی صادر میشود.

رئیس دادگاه بخش کردستان - غیاسی - آ - ۲ - ۳

تشکر

از ذوات محترمی که بنسابت معیت وارده اظهار لطف و همسفری فرموده اند بسیار سپاسگزار میباشم.

عیاس آژادپور

گوه بزوه خواران جوان مرضیسن احساس ساده را گمراه نماند و سره تفاهمی در افکار دیرینان « بعضی اشعاس ایجاد نمود . نایره باد دستهای پلیدی که برای ایجاد نفاق درین دانشجویان تلاش میکنند پاینده باد اتحاد حقیقی و منوی دانشجویان

اتحادیه دانشجویان کرد دانشگاه تهران

کوهستان - جای بسی تأسف است بجای اینکه آقایان دانشجویان که چشم و چراغ جامعه هستند با هم توافق و هم آهنگی داشته برای تأمین سعادت مردم قدمهای مؤثر عملی بردارند پیرامون مشاجراتی میگردند که جو فخرانه چیزی از آن حاصل نخواهد شد چون مقاله ای در هفته گذشته چاپ شده بود و مقاله فوق در جواب آن رسیده بود عیناً درج گردید ولی هر نوع مقاله ای موافق با مخالف در این زمینه برسد از چاپ آن در آینده خودداری خواهد شد امیدواریم آقایان هم این راه ترک و در جامعه دوستی و اتفاق قدم بگذارند

که حقیقت خلاف آن چیز نیست که مرقوم فرموده اند ولی يك نظر سطحی تمعاد و مشخصات کسانی که طایفه را امضا کرده بودند نشان میدهد که آنها « با اقلیت فاقد صلاحیت » هستیم یا اینکه اکثریتی میباشیم که اغلب اعضای ما سالها در مبارزات اجتماعی شرکت داشته اند ۱۰ بدین جهت بسیار خوشوقتیم در این موقع که اتحادیه مورد حمله ناجوانردانه قرار گرفته رفقای حساس و با هبامه ما پیوستگی و پشتیبانی خود را با اعلام نموده و با این عمل مشت محکمی بر دهن آن کسانی زدند که با در نظر گرفتن « شخصیت همدی » اجازاً ما را « اقلیت ناچیز » میخوانند و گذشته از آنکه نشیبات و تحریکات مغرضین موجب تقویت جبهه ما شد برای ما متضمن این خوشوقتی هم بود که یکی از رفقای عزیز و « رحیم » ما که دیروز ناپنده بالورگانان کردستان بود امروز دانشجو شده است !!!

هر چند ما به تشبیهات عناصری که میخواهند جبهه ما را بیخالی خودضیف کنند با دیده تسخر مینگریم تاکنون در پیشگاه افکار عمومی سرانگشته کمی و شکست نصیب دشمنان دانشجویان و انتصار از آن ما بوده است و سوابق ما ما را از دادن هرگونه توضیحی بی نیاز میسازد ولی باز لازم دانستیم که با ابراز توضیحات فوق مطابق رادر مغرض تفاوت انگار عامه قرار دهیم تا این نوشته اید گو اینکه خودتان بیک میدانید

ناصر حسینی

### جواب بتذکر دوستانه

رفتار دانشجویی مدنی پیش تصمیم گرفته بودم که در روزنامه باهار و پرونده و مطالب لازم بر رشتان برسانم ولی با انتظار اینکه شاید بن رونقانی من پیش بدانشجویان اصلاح طلب کرد یا بجزولها و یک انلیت ناچیز از فزایدت هیبت و لازم نبود کسی از روزنامه کوهستان یا کثرت مطالبش صرف یک مطلب نسبتا خصوصی بشود تاکنون سیر کردم منافات که تنها نزدیک نندید بلکه انتشار یک نامه اتحادیه دانشجویان کرد در جریده کوهستان که در آن از اقدامات اسلانی اخیر آقای آصف ننهروانی شده بود موجب شد که شما بتحریر یک و انواری تناسری که امروز فقط با نظر رفیق موسوی در صف معاند معاضد نامه اتحادیه قرار گرفته اند با روشی مرچه شده در رفتاری دانشجوی خود را مورد حمله دور از اسلاف فراردهید این عملها و مخصوصا گرفته و گناه های زیادی که در مقاله ( تذکر دوستانه بقلم ع - جنجاف اردلان مندرجه در کوهستان ) نسبت بشخص من گنجانده شده بود مرا وادار کرد فقط برای یکبار نکتان لازمی که بنظر میرسد برای شما بگویم ولی بیلا تذکر بشوم که نوقت من بنا بر روی هیچکیم چنانچه نظر « انلیت ناچیز » چند نفر فاند سلاسه « دوست نظر دانشجویی که نام مقدس دانشجویان کرد را بر خود گذاشته اند » « بزرگترین شریعت را بفنام دانشجویی ( به ) » « آبروی دانشجویی ما دستخوش هوی و هوس این اقلیت فاند سلاحیت قرار گرفته » « ... ندارد زیرا عقیده دارم تراخشان یک قلم هاری از هفت بشر اینک منظر اسماسانی پاک و عقاید صحیح باشد در خوانندگان سوره از خواهد کرد بنا بر این از پاسخ باظهار لطف هائی که فرموده اید مسطورم میدانم که شما هم روی اجبار باطاعت امر آفر خود پذیرفتن این مطالب نامطلوب ناچار شده اید .

رفتاری از بزم آبا و آبا دو آن دوسه روزی که - کریم نعلیت علیه دوستان دانشجویی خود بودید و راهادی آزادی خوا ا شارا محاسره کرده بودند حتی اینقدر فرست نداشتند که افلاک گدشته اشعاسی را که مورد حمله فرار داده اید در نظر بیآورید یا اگر همانطور که اخباراتی فرموده اید بگذشت آبا حد نظری افکنده اید وجدان شما اجازه داد که ناچوا سردانه اشعاسی ر که هنوز شما در خواب بودید علیه تا بر دست خاکبه مانوفی توده های ملت قسرا و گرفته اسد مبارزه میگردند دقتا بدهید

من در این حالیکه از وارد شدن شما به بدان اجتماع خوشرو وقت نیدام آروزها که من و امثال من در محیطی که شرایط است و نامناسب آن بر شما روشن است بدون پشتیبان با نام فرا در نبرد بودیم کجا بودید آنگاهایی که در این دوسه دوره بکثرتی قیام کرده اید و با برسیبها خود ما را بی برسیب میدادید شما

من در رفتاری من در راه ایجاد اصلاحات نعلیت میگویم ولی این نعلیت کاسی مسکن است بصورت مبارزاتی منلی و گاه بصورت اقداماتی عدیت باشد شما هم اگر چند صباحی از نعلیت و رودتان با نام اجتماع بگذرد بی شک بهت خواهید شد و روش مخالفان اتحاد خواهد کرد بشرط اینکه سعی کنید ملون الزواجیای منرض از هم اکنون که دانشجویانی بی فرض و پاک عقیده شما را آلت اجرای مقاصد خود قرار ندهند و مثلا کار بجایی رسد که مجبور شوید به خاطر آنها عد و دانشجویان عضو اتحادیه را در سه ندر بنویسید بفرض شمال اگر اتحادیه دانشجویان دوسه نفر هم بمانند تشکیل اتحادیه داده اند و بنام اتحادیه خود هر مطلبی که بخواهند منویسند شما که خارج از

### آنگهی مزاییده حضوری

مقداری روغن نباتی . خورده برنج . نشولات حبوبات . پارچه پشمی اسفهان . پارچه حریر جالوس . چبه خالی جوی و مقوای آمریکائی . کبه خالی و کتاف و مواد متفرقه روز دوم اسفند ماه ۱۳۲۵ در محوطه خواربار بانکسی ایران بطور مزاییده بطروش خواهد رسید . علاقه مندان به خرید می توانند دوساعت تا سبج روز جمعه ۱۲ اسفند ماه ۱۳۲۵ در بانک حضور بهیمرسانند مالیات حراج بیده خریداری خواهد بود .  
بانکسی ایران  
۶۳ - ۲

### بازرگانی حسینیان در همدان

دفتر بازرگانی آقای سید حسینی مهابادی از تهران بیدان منتقل شده و در سرای حسین خانی افتتاح یافته شروع بکار کرده است آقای سید حسینی که از بازرگانان صحیح السبل گرد میباشند در همدان برای انجام هرگونه مدارات و مراجعات بازرگانی و حق السلکارتی حاضر میباشند  
از مراجع باستان غفلت نوزید  
۵۸ - ۲

۱۰-۵

### تسلیم

عقده گذشت یکی از روحانیون برجسته و بانفوی کردستان ( غلب السالکین مرحوم حاج شیخ عبداله قهبازی ) که مورد تکریم و علاقه عموم اهالی بود برحمت ایزدی پیوسته دو گذشت این مرد بزرگ موجب تاثر است ما از صمیم قلب این شایسته عظمی را بجوم شهیدان محترم مخصوصا طبقه روحانیون تسلیم میکنیم .  
اتحادیه دانشجویان کرد دانشگاه تهران

### تازه های انتخابات

بقیه از صفحه ۱  
تکالی در محل داد و معالفتن بسیاری خودش تراهدان معالفتن جد معالفت خواهد بود ولی در عوض سندجی ها حقا با او موافقت خواهند داشت و برای موافقت از شناسایی و معرفت مرکزی و زمینه هوا خواهند ستندجی ها از جهت زمینه معنی استناد خواهد بود . نابر این حرف زور مندست و به نظر من انتخاب او هم برای کردستانها مفید است .

آقای حاج سالار فاتح -  
که اسامیل هیچ برای کار و کالت تلاش ننوده و احتیاج هم بو کالت ندارد یک دو دوره و گیل بودی می فاند او و کالت نتیجه برای مردم نخواهد گرفت ولی چه کنت مبارزه شروع شده مسکن است برای اشان یک کرس هائس او از دیگران پیش باشد .

شایعانی که در زمینه انتخابات کردستان هست باعث این شد که بطور اختصار چند جمله از هر یک از کاندید های جدید نام بیزم ولی بقیه من هنوز وضع روشن نیست و نمیتوان پیش بینی کرد چه اشعاسی هائس نطنی دارد . زیرا انتخاب شد در این دوره خیلی ساده نیست و هزاران بازی پشت پرده می خواهد و چون امثال مرا راهی به پیش برده نیست ظاهر و بیرون برده را می بینم و از جریان های پشت پرده باخبر نیستم .

ولی با اعلام مسطور شروع انتخابات برده بالا خواهد رفت و درسته این تاثر هم انگیز بازگرا آن خودمانی خواهند نمود .  
ما هم در این جریان فلتنا دادیم جن هشتمینا بر این جو تفسیر اوضاع کاری نمیکنم .

اشتباه نشود  
اقداری که در شماره ۷۶ کوهستان بطبع رسیده بود مربوط به آقای نبی است . سراینده آن دیگری میباشد .

تصحیح  
در شماره گذشته خبر انتخابات سطر را اشتباها متن چاپ کرده بودند بدین وسیله توضیح داده می شود که انتخابات سطر هنوز شروع نشده و خبر استعفا فرما در اینجا صحیح نیست .

این اتحادیه شهید پس آنا چگونه اعتراض میکند در آخر مقاله خود نوقت اید ما بدون مدارک تصدیق تشکیل داده ام و بعلت شخصیت علمی که برای افراد ناچیز فاند هده اید از تشریح آن صرف نظر فرموده اید بانسگرا از سن ظن شما خواهش میکنم از شخصیت علمی ما بگذرید و همین فرمایید که برای تشکیل اتحادیه چه مدارکی باید داشت تا اگر المصدن و گواهی هم سه سه ساله و عکس را لازمست تهیه کنیم شما که مدارا بر هایت متعلق توبه کرده اید بهتر است این قسمت از نوقت خود را با منطق تطبیق دهید منظور من از نوقت این مطالب روشن کردن حقیقت موضوع است و الا از تهدید هدا که نوقت اید اهالی کردستان که تا کتون سخنان و مقالات ما را با حسن نیت تلقی میکردند فاند فاند خواهند شد بدینترسم زیرا هم شهری های محترم هم ما را میشناسند و میدانند کسی که بدون در نظر گرفتن هیچ منلفی در راه دفاع از حقوق آن ها مبارزات خطرناک کرده است کیست . شما بنگر خود با هید

سالم با هضم دل المروغه و سوخته ام تا چه برود که کسی عاقلی آموخته ام هرگز اسر ندرده نخواهد شد این آتش تپو هضم طونام و از اشک خود المروغه ام

# کوهستان

## ایران از نظر یک دانشمند کرد

هر خنجری که بر تن تبریزیان زند  
تبر از جان هاست که بس بی امان زند

بابرها این موضوع را از دو سال پیش گفته و نوشته ایم که کرد های خارج از ایران ، ایران هستند . آنها به ایرانی بودن خود میاهات می کنند . و اگر دست تقدیر و سوانح زمانه آنها را از مادر اصلی وطن خود پندی و ورسانته نشوایم آنها را جدا شده و بیگانه دانیم بلکه نباید سعی کنیم رخت مودت و نودیکی محکمتر کرده و آنها را متوجه سازیم که ایران بزرگ آنها را چون دیگر نرزدان خود که اکنون در آغوش خود پرورش میدهد خواهد پذیرفت .

باید بدانیم که دیگر عا که امروز در خارج از مرزهای ایران سکونت دارند اینان با ایران و ایران دوستی خود را تقویت کنند . درجه امید آنها از ایران است و باید همانطور که خود میدانند برای همیشه خود را ایرانی اعلام دارند . در حالیکه روشنفکران کرد باید این اصل مسلم را بسوم جهانیان اعلام دارند .

دولت ایران که در رأس آن یک مرد نادر مدبری قرار گرفته باید اصل آسایش و رفاه را برای افراد ساکن کشور خود تضمین نموده ، زیرا نوشته و بیان عوامی اثر خواهه داشت که تهری با عمل توأم گردد .

در پایان این نوشته لازم میدانیم از مدیر معتره روزنامه «دین» بناسبت اظهار معینتی که به روزنامه کوهستان کرده اند تشکر نموده و از قسمت آخر مقاله ایشان که بشرح ذیل نگارش یافته سپاسگداری کنیم .

«خبر بر خود داری کا دوکتور اساعیل اردلانی، کوهستانی سر بلنده و دینی البر؛ یکه ان شاعراف ژینی «دین» ای ای که ۲۱ ساله و خوشی بیری «بیره میردی» آخر شهری دهی»

**گاندیدای نمایندگی مهاباد**  
مقام معتمد جناب اهراف نخست وزیر معیوب ایران آقای قوام السلطنه دامت عظمه رولوهت ....

اینتجایان امضاء و مهر کنندگان ذیل اعدای مهاباد و اطراف از ته دل نظر باینکه آقای رحمت هاشمی هفسی مدین و مبین برست و در مسکنار انگکافته مرلی می نمایم و همه اوقات خلا صلاح دولت و ملت را بر مصالح خود مقدم داشته و نسبت بقامه و مصالح این ملت مستعدیده بسیر و بر همه رجحان داود و از هر حیت کفایت و دانش و صالح و امین میباشد ملت هبرستان مهاباد و اطراف هفسی آقای رحمت هاشمی را به نمایندگی مجلس شورای

روزنامه کهنسال (دین) که بزبان کردی در سیستان چاپ میشود و مدت ۲۱ سال از هر مطبوعاتش میگردد در شماره ۸۵۵ مقاله کوتاهی نوشته که حاوی این اصل مهم و حساس است که هر ایرانی وطن پرستی و اسرور و شاد میسازد .

این روزنامه دین تحت نظریکی از دانشندان کرد ، آقای حاجی توفیق که یکی از نویسندگان به نام و شرای معروف و متمسک به (بیرمرد) اسه انتشار می یابد . مقاله ای که بدان اشاره شد تحت عنوان (سدایکی آشته) یعنی یک صدای یک آشته نگارش یافته و در آن ادیب دانشمند پس از اظهار مسرت از انتشار روزنامه کوهستان در پایتخت ایران می نویسد :

(من مقنون زبان فارسی هستم و هنگامیکه در اسلامبول اقامت داشتم خدمات هایستای در روز نامه (هس) که صاحب امتیازش سید حسین ایرانی بود بحال مطبوعات انجام میدادم و در آن زمانی که روزنامه (شلق سرخ) و (مجله فرنگ) در تهرآن منتشر میشد من اشعار و مقالاتی در آنها با مضای (سلیانی - توتین) و یا (س - ت) می نوشتم و لغو بنامظر دارم . به هنگام هنگامه تبریز و مشروطیت در شلق سرخ این همدرا نوشته بودم .

هر خنجری که بر تن تبریزیان زند  
تبر از جان هاست که بس بی امان زند  
اگر آنها نیکه به موضوع کرد و کردستان علاقه مند و میفرهاند افکار عوامی روشنفکران کرد و نظریات آنان را بداند خوب است در این یک بیت که چکیده فکر یک مرد دانشمند و نویسنده میرز کرده است . در این بیت که گوینده آن علاوه بر مقام شایع طلب و دانش مدت بیست و یکسال روزنامه نگاری کرده و در دوران هر خود سرد و گرم های روزگارا چندی و تبارب گرایها اندرخته تهری نکلس نباند .

گوینده آن در هر چه سال پیش خود ایران در سر داشته و قلبش متوجه ایران بوده و اکنون نیز پس از چهل سال با علاقه خاصی همان شعرا که همار خود میداند تکرار می کند و می نویسد .

آیا اینگونه ملا و هفتی را که در خارج از مرز های مادر سرهای پر شور وجود دارد میتوان ناچیز بندهاقت و یا نایده گرفت آیا جز خون ایرانیه و علاقی نژادی و سببیت برادری چیزی را میتوان تصور کرد که موجب چنین تراوانی گردد .

## (( تشکر ))

میکند ، آنها را نیز با صاحب مشفقانه و مواظف بینر ضاه بشاعراه و مدت و اتفاق هدایت نمایم .  
مرحوم شبزاری ، یکی از طرفداران وحدت و اتفاق و یقین بود که همیشه آرزو داشت این مرض تفرق و اختلاف و این کلمات وحدت شکن «نربینتن» و «د طریقین» و «شبه و سنی» و «ایه و و خاصه» از ایمان اسلام مرتفع خود . و همه مانند اصحاب رسول و خلفا و اهلهین باو بدت نظر در پیشرفت آیین اسلام و توسعه ضایر اسلامی جدوجهد نمایم . و چهره مقدس اسلام را از لوث خرافات و باطیله پاک و منزه سازیم . و بهین سبب از حشر با اهل افان بیزار بودیم و اخیراً در منزل شمسی خود منزوی گشته بود .

مخصوصاً از ذات اقدس شاعنشاء مصیوب خود نیز سپاسگداریم که تشکرانا بوسیله فرمادهار کردستان با زمانه گان آن مرحوم تسلیت . و بوسیله جناب اشرف رئیس معتمد دربار شاعنشاء آقای سینی نیز مجلس ترجمه را با ابلاغ عقولت و نهایت ملوکانه برگذار فرموده اند . خیر از طرف با زمانه گان آن مرحوم ذات مقدس شاعنشاء و مضاطب ساخته عرض میکنم .

صبا گر برد برک تسون را  
بنیاد آن سس سرود چن در ا  
( الاحقر محمد هرفوخ )

از هوم آقایان حجج اسلام رهضای اعلام طهران کنرا اف اسالهم ، و ایران و رجال دولت و محترمین طبقات که بنام تنظیم هشار مرلی و تکریم مقام روحانیت ، مجلس ترجمه شد آقایان ، مرحوم میرور حاج هیف عبدا لله شبزاری کرده ستانی را ، طاب ترهه ، بقوم میمنت ملزوم خود مزین فرموده اند ، و دلای القراءه در نقد سیدرا تسلیت بخشیده اند ، نهایت تشکر و امتنان داریم - همانطور که نامق ماسد آقای فلسفی در جلسه ترجمه فرمودند ما این سوگواری مشترک را مستوحشت و یقین میدانیم و امیدواریم که هر دو فرقه با توجه باصل مشترک «اسلامیت» همدردانه و برادرانه ، در ظل توجهات شاعنشاء محبوب خود امیضضرت اقدس هابون بملوی ، و سماعی زمانه داران کشور حسن رویه «و وحدت» و «یکگاسکی» را در کتب حوادث جاریه ادامه داده ، متفقاً در زیر سایه بیرق اسلام و لوای محصه ، بدون تفرقه و اختلاف ، بیچاره دودهای داخلی خود ببردازیم . و این خفاطوس ملکت و اساموت را که در نتیجه اختلاف دامنگیر همه شده است رفع ، بر طرز سلاطین - کونه نظر اینکه جا لاه صرفه خود را در ادامه اختلاف میدانند و بهین منظور هماره آتش اختلاف را دامن میزنند ، و دعوت وحدت را تکلیف و ترک تفرق و اختلاف را سوء تفسیر

## کار گذشت مرحوم مبرور حاج شیخ عبدالله شبزاری طاب ترهه

خبر در گذشت مرحوم مبرور حاج فیه عبدالله شبزاری طاب ترهه که از روحانیون مورد احترام فاطمه کردستانیان میباشد موجب نهایت اندوه و تاز کردستانیان مقیم مرکز گردیده . در گذشت مرحوم مبرور حاج شیخ عبدالله شبزاری برای کردستان شایه بزرگی بود که فرد فرد مردم را از بزرگ و کوچک از فقدان خود اندوهناک ساخت . بناسبت فوتش در ستنج دوروز دکان و بازار تعطیل و عزم مردم هر یک این سوگواری بوده اند در تهران بز حضور روز پنج شنبه گذشته در مجلس خشی که در هیستان مسجد معبد از طرف آقای ستنجی یا هده بود .

آقایان آقای سید محمد بیبلی - امام جمعه تهران - امام جمعه خونی - مشیر الاسلام - طباطبائی و هده (زادگی از ایمن و محترمین تهران و کردستانیان مد . مرکز و روحانی هشاربری که در تهران بودند حضور یافت بران . اسقاء بیانات جامع و نوق العاده مؤثر شعیب معروف آقای فلسفی در ساعت پنج بعد از ظهر مجلس پایان یافت .

کارکنان روزنامه کوهستان این شایه بزرگ و باسوم افراد کردستانی و مخصوصاً با زمانه گان و خانواد ه محترم شبزاری تسلیت میگویند

ملی دوره یادهم انتحاب مینمایم و این ملت از حسن انتحاب خودشان را موفق و سعادتمند میداند . امیدواریم آقای رحمت هاشمی دست رد به سینه تقاضای این ملت نرود و خودشان را رسا به گانه بد دوره یادهم معرفی فرمایند .  
پامضای چهارصد و هجده نفر طباه و ایمان و سالک و تجار و کسبه - مصطفی بلوری